

## کتاب و باد

تو کوچه، راه می رفتم  
که باد اومد کنارم  
فهمیده بود تو دستم  
کتاب قصه دارم

کتاب من رنگی بود  
قرمز و آبی و زرد  
نمی دونم چرا باد  
کتابمو پاره کرد

با گریه گفتم به باد  
برو، تو خیلی بدی  
کاشکی کتاب من را  
یواش ورق می زدی

● مریم هاشم پور



## موش و گربه

موشه، کتاب فروشه  
می شینه باز، یه گوشه  
چندتا کتاب قصه  
به گربه می فروشه

پولها رو سکه سکه  
می ریزه توی کیسه  
دفتر نو می خره  
دوباره می نویسه

● اسدا... شعبانی

## باغچه‌ی کاغذی

دفتر ۴۰ برگ من  
چهل تا باغچه داره  
مداد من همیشه  
گل توی اون می کاره

این باغچه‌ی کاغذی  
گل هاش همیشه سبزه  
نه آب می خواد نه آفتاب  
هر چی بگی می آرزو

● ناصر کشاورز

# شعرهای کاغذی

## کتاب شعر

توی کتاب شعرم  
شعرهای خنده داره  
می خونم و می خندم  
شادی برام می آره

دونه به دونه شعرهاش  
شیرینه، مثل قنده  
هر کی اونو بخونه  
خوش حال می شه، می خنده

● شاهده شفیعی

## کتاب نو

مامان برام کتاب نو خریده  
هیچ کسی مثل این کتاب ندیده

از ابر و باد و خورشید و ستاره  
شعرها و قصه های تازه داره

کتاب من نقاشی هاش قشنگه  
باغی پر از گل های رنگارنگه

برای من یه دوست مهربونه  
هر چی که من می پرسم اون می دونه

● بابک نیک طلب

